

خبر

احتمال حضور «ریچارد کلایدرمن» اواخر امسال در ایران



بخش فرهنگی – ریچارد کلایدرمن که پیشتر سابقه برگزاری کنسرت در ایران را داشته است، احتمالا باتوجه به همکاری او با یک تهیه‌کننده ایرانی بار دیگر به ایران بیاید.

به گزارش ایسنا، کنسرت «ریچارد کلایدرمن» ۱۹ و ۲۲ نوامبر در تورنتو و ونکوور کانادا به تهیه‌کنندگی میلاد ماهان‌راد برگزار خواهد شد. میلاد ماهان‌راد (کنسرت‌گزار) که تهیه‌کنندگی این تور را در کانادا بر عهده دارد، درباره این همکاری بین‌المللی می‌گوید: «پس از برگزاری بیش از ۲۰ تور جهانی با خواننده‌های شرکت ما در سراسر دنیا، حالا همکاری با چهره‌های مطرح موسیقی جهان یکی از جدی‌ترین موضوعاتی است که در رأس هدف گذاری‌های ما قرار دارد و همکاری با ریچارد کلایدرمن در گام نخست، بی‌شک می‌تواند شروعی برای گسترش فعالیت‌های ما در اجراهای بین‌المللی باشد.» او همچنین بیان می‌کند: «بعد از برگزاری تور کانادا قرار است درباره حضور این هنرمند در ایران، با او مذاکراتی صورت پذیرد و تصمیم داریم برای اواخر امسال، کنسرت ایشان را در تهران برگزار کنیم.» «ریچارد کلایدرمن» تاکنون بیش از ۱۲۰۰ ملودی ضبط کرده‌است و با فروش بیش از ۸۰ میلیون نسخه، دارای ۲۷۰ صفحه طلایی و ۷۰ صفحه پلاتینیوم است. کلایدرمن سبک کار خود را ترکیبی نو رمانتیک از موسیقی کلاسیک و پاپ می‌داند.

کار او با «چکامه‌ای برای آدلین» در سال ۱۹۷۶ آغاز شد که موفقیتی جهانی داشت و ۲۲ میلیون نسخه در ۲۸ کشور دنیا فروخت.

●●●●●

با یک تور خداحافظی؛ جان سینا دیگر کشتی نمی‌گیرد از تشک مبارزه تا «سریع و خشمگین»

بخش فرهنگی – جان سینا قصد دارد پس از فصل ۲۰۲۵ از کشتی حرفه‌ای کناره‌گیری کند.

به نقل از هالیوود ریپورتر، جان سینا کشتی‌گیری که وارد دنیای سینما شد و به سرعت خودش را به عنوان یک بازیگر کم‌دی اکشن تثبیت کرد، در حالی که وعده یک تور خداحافظی با ده‌ها مبارزه و یک مبارزه نهایی حماسی را داد، گفت از نظر فیزیکی به پایان خود رسیده است.

این بازیگر ۴۷ ساله اعلام کرده سال آینده پس از ۲ دهه حضور در رینگ از کشتی حرفه‌ای بازنشسته می‌شود.

وی به تازگی در سخنرانی صمیمانه‌ای که در تورنتو در برابر طرفداران خود انجام داد با ناامیدی خبر داد که فصل ۲۰۲۵ آخرین فصل بازی‌هایش خواهد بود. با این حال او قول یک تور خداحافظی با ده‌ها مبارزه و یک مبارزه نهایی حماسی را داد و به طرفدارانش اطمینان داد که کشتی همیشه با او خواهد بود.

در یک کنفرانس خبری، سینا به خبرنگاران گفت از نظر فیزیکی احساس می‌کند به پایان خود رسیده، اما این بدان معنا نیست که او از ورزشی که دوست دارد فاصله می‌گیرد.

سینا که ۱۶ قهرمانی کشتی جهان دارد، از سال ۲۰۰۱ وارد این صحنه شد و با کمپانی «دبلیو دبلیو‌ای» قرارداد بست و با شخصیت‌هایی که خلق کرد، طرفداران خود را به دست آورد.

سینا در فیلم‌های کم‌دی‌های «فاجعه» (۲۰۱۵)، «فردیناند» (۲۰۱۷) و «بازاردندگان» (۲۰۱۸) و فیلم علمی تخیلی «بامبلی» (۲۰۱۸) به ایفای نقش پرداخته و نقش شخصیت اصلی پیس‌میکر را در فیلم ابرقهرمانی «جوخه انتحار» و مجموعه تلویزیونی «پیس‌میکر» ایفا کرد. وی از شخصیت‌های «سریع و خشمگین» هم بوده و در فیلم پرفروش «باربی» هم بازی کرده است. او همچنین برای کارهای خیرخواهانه شهرت دارد که یکی از آن‌ها برآورده کردن آرزوی بیش از ۶۰۰ کودک بیمار است.

●●●●●

یکی از اشکالات بزرگ ادبیات کودک و نوجوان، نبود کتاب در زمینه نقد آن است

بخش فرهنگی – جمال‌الدین اکرمی گفت: ما در بخش نقد کتاب یا حتی نقد هنر، بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم. در ادبیات، ما کتابی نداریم که ادبیات را نقد کند و این یکی از اشکالات بزرگ عرصه ادبیات کودک و نوجوان است.

جمال‌الدین اکرمی در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، درباره وضعیت نقد در ادبیات کودک و نوجوان گفت: کاری که نقد در هر هنری چه ادبیات، چه نقاشی و چه موسیقی می‌کند این است که آخرین خانه جدول را پر می‌کند. من هروقت بدون بررسی یک منتقد، رمانم را چاپ کردم، پشیمان شدم؛ چون جاهایی که از دستم در رفته است، منتقد به من گفته حواست را جمع کن. این تصویرگر افزون: همه ما به منتقد نیازمندیم؛ چه در نقاشی که یک نفر اثر ما را نگاه کند و درباره ترکیب‌بندی، آرایه‌های رنگی و... و ما صحبت کند و چه در هنرهای دیگر. باز هم می‌گویم ما نیازمند منتقد هستیم. یکی از این منتقدان خود کودکان هستند که کتاب را می‌خوانند، با ما حرف می‌زنند و به ما می‌گویند که رمان یا داستان‌ت این مشکلات را داشت یا این بخش‌ها را دوست داشتیم؛ بنابراین منتقد آخرین تکمیل‌کننده فرایند اثر هنری است و متأسفانه جامعه ما در این فرایند بسیار ضعیف است. یکی از دلایل، این است که ما منتقد را پس می‌زنیم؛ زیرا انتظار داریم منتقد از کار ما فقط تعریف کند و برایمان بازآرایی کند؛ در صورتی که کار منتقد این است که بر نقطه‌های تاریک اثر نور بتاباند. نویسنده باید این را درک کند که اگر منتقد حضور نداشته نباشد کارش با هزار عیب و ایراد به بازار می‌رود و هزاران خواننده را دچار اشکال خواهد کرد؛ به‌خصوص در کتاب‌های ناداستان، علمی، تاریخی و کلاً کتاب‌هایی که بیش اطلاع‌ای به کودک و نوجوان می‌دهند. انجا واقعا اشتباه، بخشودنی نیست.

این نویسنده و مترجم در تکمیل صحبت‌های خود بیان کرد: ویراستار بخشی از کار نقد را انجام می‌دهد؛ اما خط آخر را منتقد دنبال می‌کند. ما در این بخش یعنی بخش نقد کتاب یا حتی نقد هنر، بسیار ضعیف عمل کرده‌ایم. باز در نقد هنرهای تجسمی، نشر تندیس و نشر هنرمند را داریم، در موسیقی و تئاتر هم همچنین؛ اما در ادبیات، ما کتابی نداریم که ادبیات را نقد کند و این یکی از اشکالات بزرگ عرصه ادبیات کودک و نوجوان است.

{فرهنگی}

چهارشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۳

فیلم «بین» به کارگردانی محمود اربب بر گزیده دهمین فستیوال جهانی مونته‌ویدیو



مدیر تولید و صحنه: فاطمه مهدی‌پور، تدوین صدا و تصویر: حامد اربب، دستیار کارگردان و برنامه ریز: مجتبی راسخ نژاد، دستیار تهیه: پرهام کاظمی، صدابردار: احمدرضا محمدی، روابط عمومی: نینا پنجای، طراح لوگو: بابک عاطفی، لوگوموشن: مبین آویزگان – پخش بین‌المللی: سیکا فیلم – با تشکر از: رضا صادقی‌نژاد و هاله اربب

این فیلم کوتاه در ژانر تجربی– تخیلی تولید شده است و مدت زمان آن ۸ دقیقه است.

کوتاه برگزیده فستیوال‌های فیلم کوتاه تایگا در روسیه، برگزیده فستیوال فیلم کوتاه VARIOUS ARTISTS INDEPENDENT در شیکاگو، برگزیده فستیوال کال فیلم CALFILM در کالیفرنیا، برگزیده فستیوال «ورلد فیلم» فرانسه و برگزیده فستیوال اوستیا OSTIA FILM FESTIVAL در ایتالیا بوده است.

عوامل فیلم‌کوتاه «بین» عبارتند از: نویسنده و کارگردان: محمود اربب، تهیه‌کننده: سید مصطفی قاسمی‌پور، مدیر فیلمبرداری: حسین بدرطالعی،

بررسی وضعیت رونق یا عدم رونق گیشه سینما در گفت‌وگو با رضا درستکار

دستمزد رضا عطاران برای یک فیلم ۳۵ میلیارد تومان است

◆ آقای درستکار به هر حال فیلم‌ها فروش بالایی دارند و مخاطب آن را تماشا می‌کند.

اگر مدیران به مخاطب بالا و فروش زیاد می‌نازند باید بگویم در تاریخ سینمای ایران چند فیلم وجود دارد که بیش از ۸ تا ۱۰ میلیون مخاطب آن را در سینما تماشا کرده‌اند و باقی مردم ایران هم آن‌ها را در سایر امکانات نمایشی تماشا کرده‌اند. یکی از این فیلم‌ها «قصر» و دیگری «عقاب‌ها» است بنابراین ما اصلا نمی‌توانیم به این آماری که دوستان ارائه می‌دهند اعتماد کنیم خیلی وقت‌ها رقم‌سازی‌های گسترده دیده‌ایم.

❖ ایده‌ای وجود دارد که می‌گوید بخشی از فروش بالای فیلم‌ها بخاطر عددسازی‌های سازندگان است، چنین مسئله‌ای صحت دارد؟

عرض کردم، بله. یکی از شگردهای جدیدی که آقایان در فروش بلیت‌های سینما انجام می‌دهند، این است که بلیت‌هایشان را پیش‌خرید می‌کنند و آن را به آمار اضافه می‌کنند تا اکراشان پر دیده شود. به سقف نجات در اکران برسند. خب! این آمارهایی که این‌گونه به‌دست می‌آیند حتی نمی‌توانند مصداق پرفروش بودن باشند.

◆ آیا این افزایش دو میلیون مخاطب نشان از استقبال مخاطبان است؟

هر جا هر افزایشی از لحاظ تعداد مخاطبان سینما رخ دهد، باعث خوشحالی است. ما نمی‌خواهیم این ماجرا را کتمان کنیم اما مسئله اصلی اینجاست که آن‌ها اصرار دارند بگویند ما به سینما رونق بخشیدیم، من هم می‌گویم نام این کار رونق نیست بلکه نامش فرصت‌سوزی است.

مشکل این است که بالاس و اکوسیستم موجود را با یک عنوان مجعول؛ «خالص‌سازی» در سینما بر هم زده‌اند. مگر می‌توان همه فیلم‌های پرفروش گیشه طنز باشد؟ (به این فیلم‌ها کم‌دی نمی‌گویم چون کم‌دی یک قالب و ساختار دقیق و ساخت جدی دارد، نابلدی با کم‌دی دو بحث متفاوت است)

می‌بینید که سبد، محتوای آثار و چرخه تولید خراب شده است. مدیران چه چیزی را مدیریت کرده‌اند؟ تمام اکوسیستم سینما را به هم زده‌اند، چگونه مدعی‌اند که به آن رونق بخشیده‌اند؟ شما ببینید که در سه سال گذشته چه تعداد از آدم‌ها از چرخه تولید یا کنار گذاشته شدند یا کنار رفته‌اند، مگر می‌توان این ماجرا را نادیده گرفت؟

◆ اگر سینما وضع درستی داشت این آدم‌ها جایی در سینما داشتند؟

این موضوع را فراموش نکنیم که تهیه‌کنندگان فیلم‌های طنز در یک چرخه غلط غیر سینمایی رشدی قارچ گونه داشته‌اند. سری به سالن‌های نمایش بزنید و سانس‌بندی‌ها را ببینید، همه چیز دست‌تان می‌آید. این افراد در یک نظام درست مدیریتی ممکن نبود به این جایگاهی که الان رسیده‌اند، برسند. طرف در عرض دو سال شد تهیه‌کننده، کارگردان، موسسه‌دار، پخش‌وتوزیع و هزار عنوان دیگر. در تیر به نایبه است، در عمل و آثاری که ساخته، هیچ، پوچ، نازل.

«حکایت حمّالی که رَمال شد»؛ قصه‌ای از قصه‌های عامیانه فارسی

متفاوت آن را روایت کرده‌اند. قصه این کتاب از قصه‌های عامیانه فارسی گرفته شده که در روزگاران گوناگون از زبان گویندگان متفاوت یا به قلم نویسندگان متفاوت بازنویسی یا بازآفرینی شده و مهدی حجوانی نیز رنگ و روی تازه و متمایز به این قصه فولک قدیمی بخشیده است.

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

«فرداصبح مرد راه افتاد و رفت بازار. گاری‌اش را فروخت، یک مشت خرت‌وخورت رمالی خرید و بساطش را گوشه‌ای چید. چیزی نگذشت که یکی از ماموران چاق و قلچم‌پاق شاه با چشم‌های سرخ و سیبل‌های از بناگوش دررفته آمد و خراب شد روی سر رمال که چی؟ که شتر شاه گم شده؛ پیدایش کن!...».

اطلاعات بیشتر:

کتاب «حکایت حمّالی که رَمال شد» به قلم مهدی حجوانی با تصویرگری راشین خیریه در ۲۸ صفحه و به بهای ۷۵ هزار تومان از سوی انتشارات کتاب‌های طوطی (واحد کودک و نوجوان انتشارات فاطمی) منتشر شده است. این اثر چندی پیش به فهرست چهل‌وپهارم لاک‌پشت پرنده راه یافت و نشان «۴ لاک‌پشت پرنده تابستان ۱۴۰۰» را دریافت کرد.

گیلان امروز – فیلم کوتاه «بین» «The BEHOLD» به کارگردانی محمود اربب برگزیده بخش مسابقه رسمی و نماینده سینمای ایران در دهمین فستیوال جهانی فیلم مونته ویدیو در اروگوئه شد. فستیوال جهانی فیلم مونته ویدیو «۱۰TH MONTEVIDEO WORLD FILM FESTIVAL» جشنواره‌ای جهانی است که دارای بخش‌های رقابتی، فیلم‌های بلند، فیلم‌های کوتاه، مستند، انیمیشن و همچنین فیلم‌های تجربه‌گرا از سراسر جهان است، که دهمین دوره‌اش در تاریخ ۷ الی ۱۰ جولای سال جاری میلادی در مونته‌ویدیو، اروگوئه برگزار می‌گردد. سیلویا آیالا، رییس جشنواره جهانی فیلم مونته ویدیو، درباره این فستیوال می‌گوید: فستیوال مونته‌ویدیو یک فرصت برای نمایش و عرضه آثار بین‌المللی از تمام قاره‌ها، فرهنگ‌ها و زبان‌ها است، فستیوال مونته‌ویدیو هر ساله به دنبال تنوع موضوعات و فرم‌هاست، به همین دلیل تمام فرم‌ها و ژانرهای سینمایی در این فستیوال در کنار هم قرار دارند، از فیلم‌های بلند، کوتاه داستانی، مستند تا انیمشین و تجربه‌های نو و بدیع در سینمای تجربی جهان.

فیلم کوتاه «بین» روایت زنی است که تصادفا به عملکرد ویژه یکی از وسایل آشپزخانه پی می‌برد، و به بهترین شیوه از این موقعیت استفاده می‌کند. نگار خلاق و علی بدرطالعی از بازیگران با تجربه تئاتر در این فیلم کوتاه به ایفای نقش می‌پردازند.

فیلم کوتاه «بین» پیش از این موفق شده بود جایزه ویژه بهترین فیلم کوتاه از فستیوال فولکستون در انگلستان را دریافت کند. همچنین این فیلم



مهسا بهادری

رضا درستکار می‌گوید یکی از شگردهای جدیدی که آقایان در فروش بلیت‌های سینما انجام می‌دهند، این است که بلیت‌هایشان را پیش‌خرید می‌کنند و آن را به آمار اضافه می‌کنند تا اکراشان پر دیده شود. به سقف نجات در اکران برسند. خب! این آمارهایی که این‌گونه به‌دست می‌آیند حتی نمی‌توانند مصداق پرفروش بودن باشند.

در بهاری که گذشت مجموع فروش گیشه سینما به ۵۰۰ میلیارد تومان رسید و همین باعث شد که مدیران سینمایی دم از رشد سینما بزنند، سامانه سمفا را بررسی کردیم تا ببینیم از میان ۱۸ فیلم اکران شده کماکان بالاترین سهم فروش متعلق به سه فیلم سینمایی «تمساح خونی» به کارگردانی جواد عزتی با دو میلیون و ۲۰۰ هزار مخاطب، «مست عشق» به کارگردانی حسن فتحی با یک میلیون و ۸۰۰ هزار مخاطب و «نگراس ۳» به کارگردانی مسعود اطیابی با یک میلیون و ۶۰۰ هزار مخاطب است و سهم ۱۵ فیلم باقی مانده در قیاس با این سه فیلم بسیار ناچیز است.

برای بررسی دقیق‌تر آمار، سال ۱۴۰۳ را با ۱۴۰۲ مقایسه کردیم. از یکم فروردین ۱۴۰۲ تا ۳۱ خرداد در مجموع ۶ میلیون و ۲۰۰ هزار مخاطب به سینما رفته بودند که این میزان از مخاطب آورده مالی ۲۷۰ میلیارد تومانی را برای گیشه سینما به همراه داشت و مسئله مهم‌تر اینکه سهم عمده فروش به فیلم «فسیل» با ۴ میلیون و ۱۷۰ هزار مخاطب و فروش ۱۸۰ میلیارد تومانی بود. در قیاس با سال گذشته از یکم فروردین ۱۴۰۳ تا ۳۱ خرداد از لحاظ آماری با ۴ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان فروش و بیش از ۸ میلیون مخاطب، سینما رشد داشته است. اما

برای بررسی این موضوع که آیا این ارقام حاکی از رشد در سینما است یا صرفا تعدادی عدد است به گفت‌وگو با رضا درستکار کارشناس و منتقد سینما پرداختیم که در این گفت‌وگو می‌پردازیم.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، در این مطلب به سراغ کتاب «حکایت حمّالی که رَمال شد» نوشته مهدی حجوانی رفته‌ایم که یک اثر تألیفی برای گروه سنی بالاتر از ۸ سال است که انتشارات کتاب طوطی (واحد کودک و نوجوان انتشارات فاطمی) آن منتشر کرده است.

داستان کتاب «حکایت حمّالی که رَمال شد» داستان مردی است که وقتی زنش در حمام می‌بیند زن رمال‌باشی چه عزت و احترامی دارد وسوسه می‌شود و به شوهرش اصرار می‌کند که کار حمّالی را رها کند و شغل رمّالی را پیشه کند. از بخت بلند حمال، انگشتی گم‌شده دختر پادشاه را پیدا می‌کند و دوبار پیش‌بینی رمالی‌اش درست از کار درمی‌آید و به همین خاطر رمّال‌باشی شاه می‌شود و حسابی نانش توی روغن می‌افتد؛ اما بخت بلند او دوامی ندارد و بالاخره تشت رسوایی بر زمین می‌افتد.

این حکایت نخستین‌بار در کتاب «عجایب‌المخلوقات» اثر محمد بن احمد



طوسی آمده است و بعدها افرادی مانند آرتور کریستین سن و زنده‌یاد فضل‌الله مهتدی (صبحی) با پایان‌بندی، نثر، منطق داستانی و محتوایی